

برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه

فاصله‌ها

واقعیت‌های اقتصادی موجود کشور نشان می‌دهند که در برخی از بخش‌ها نتوانسته‌ایم به اهداف قوانین برنامه دست یابیم.



با بررسی برنامه چهارم توسعه - که تنها چند ماه تا پایان آن باقی مانده - و مقایسه آن با واقعیت اقتصادی موجود، درمی‌یابیم که از مقاصد و اهداف برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در برنامه فاصله داریم. مطابق بند الف از ماده ۵ فصل اول قانون برنامه چهارم توسعه، می‌بایست تمام دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی به گونه‌ای عمل می‌کردند که برای تحول کشور از یک اقتصاد نهاده‌محور به یک اقتصاد بهره‌محور، متوسط رشد سالانه بهره‌وری نیروی کار، سرمایه و کل عوامل تولید به مقادیر ۳/۵، ۱/۰ و ۲/۵ درصد برسد. اما بر اساس گزارش واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، متوسط این ارقام طی برنامه چهارم، مقادیر ۰/۶، منفی ۱/۵ و منفی ۰/۳۵ بوده است.

البته در این میان، عملکرد بخش بازرگانی کشور در صادرات غیرنفتی قابل قبول است، چراکه بر اساس ماده ۳۷ از فصل سوم قانون برنامه چهارم توسعه، صادرات غیرنفتی کشور می‌باید طی برنامه - سالانه و به طور متوسط - معادل ۱۰/۷ درصد رشد را تجربه می‌کرد که در این زمینه متوسط رشد سالانه‌ای معادل ۱۴/۷۵ درصد را شاهد بودیم. البته رشد این متغیر در سال اول اجرای برنامه معادل ۳۳ درصد بود و این رقم با روندی نزولی به ۱۲ درصد در سال ۸۷ رسید. کارشناسان واحد تحقیقات

در کشور - در صورت عدم برنامه‌ریزی برای کنترل این معضل - نرخ بیکاری از دهه ۹۰ روندی تصاعدی خواهد داشت. برای حل این معضل، حمایت از بخش خصوصی و کارآفرینان از مهمترین مواردی است که اقتصاد کشورمان به آن نیازمند است. در این راستا تغییر نام وزارت تعاون به وزارت تعاون و کارآفرینی در جهت حمایت از کارآفرینان کشور سبب گسترش تولید و اشتغال در کشور شده و راهکاری است برای رفع مشکل بیکاری در ایران.

صنعت

اگر قرار باشد صنعت ایران که همواره به دلیل وجود موانع ریز و درشت از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده است، با همین گام‌هایی که امروز بر می‌دارد، در حرکت باشد، دیر یا زود از حرکت خواهد ایستاد. عدم درک بخش خصوصی و نگاه دائمی به این بخش به عنوان رقیب در کنار هزینه‌های اولیه سرسام‌آور و عدم تعامل مناسب نظام بانکی، از دیگر دلایلی است که سبب شده تا صنعت ایران نتواند روی پاهای خود بایستد. وجود نرخ تورم و بهره بسیار بالای بازار آزاد از دیگر چالش‌های این بخش است. در این راستا ارایه وام‌های کم‌بهره به صنعتگران و حتی پروژه‌هایی که از توجیه اقتصادی قابل قبولی برخوردار هستند، از سوی نظام بانکی و علی‌الخصوص بانک صنعت و معدن از راهکارهای اولیه به حساب می‌آید. تدوین قانون حمایت از صنعت که مؤسسات مالی و بانکی را موظف به "پرداخت قانونی" به صنعتگر می‌نماید، می‌تواند فانوسی در راه تاریک و پریچ و خم صنعت کشور باشد.

کشاورزی

متأسفانه، بخش کشاورزی از بخش‌هایی است که چه در دوره رکود و چه در رونق از وضعیت خوبی برخوردار نبوده است. اتخاذ سیاست‌های نامتعارف در بخش‌های تولیدی، صادراتی، وارداتی و توزیع و فروش در کشور، همگی دست به دست هم داده‌اند تا این بخش علیرغم گزارش سازمان فائو (سازمان خوار و بار و کشاورزی ملل متحد) که در آن کشورمان را در تولید یک سوم محصولات اصلی دنیا بین ۱۰ کشور اول جهان قرار داده، همچنان در کشاورزی از وضعیت مناسبی برخوردار نباشد. حمایت همه‌جانبه از کشاورزان، تخصیص بودجه سالانه مبنی بر توسعه کشاورزی مدرن، سرمایه‌گذاری بیشتر در جهت رشد آموزش حرفه‌ای کشاورزی و پرداخت‌های بالاتر از کف قیمت بازار، راهکارهایی هستند که می‌توانند راهگشای مشکلات این بخش باشند. ■

مسایلی از جمله افزایش ساعات کار سرپرستان خانوار و در نتیجه عدم توجه به بنیان خانواده را - که از مهمترین عوامل به وجود آورنده بزهکاری، فساد و به طور کلی معضلات اجتماعی در جامعه خواهد بود - نباید از یاد برد. اما برای حل معضل تورم، انضباط پولی و مالی در طرح‌ها و پرداخت‌های عمرانی و جاری دولت از مهمترین شاخص‌ها برای دستیابی به ثبات اقتصادی است، چراکه بخش مهمی از تورم به بار آمده در کشور، حاصل عملکرد انبساطی دولت در سال‌های اخیر بوده است.

البته باید به این مسأله اذعان داشت که به دلیل حجمه شدید اتهامات بین‌المللی، اتخاذ سیاست انبساطی برای جلوگیری از توقف چرخ اقتصاد کشور اجتناب‌ناپذیر بوده است. توقف حمایت‌های بی‌دلیل از ادارات و سازمان‌های بی‌بازده دولتی که گردش نقدینگی و تقاضای پول را در جامعه افزایش داده‌اند، از دیگر قدم‌هایی است که می‌باید برای اعتدالی اقتصاد کشورمان برداشته شود. همچنین عدم نقدی کردن بدهی‌های دولتی و برداشت از نظام بانکی در جهت کنترل کسری بودجه مورد دیگری است که نیازمند توجهات بیشتری است. در این راستا، روی آوردن به بازار سرمایه در جهت تأمین مالی پروژه‌ها - آن هم از طریق فروش اوراق مشارکت و سایر اوراقی که شورای بورس و اوراق بهادار اجازه تصویب آنها را دارد - و در عین حال رشد سرمایه‌گذاری و افزایش فعالیت‌های عمرانی در کشور، راهکاری است که می‌تواند برای تثبیت سطح قیمت‌ها در جامعه مثمرتر باشد. تحریم‌های بین‌المللی هم که به دلیل مسأله رکود تورمی کشور، منجر به رشد فشار تقاضا شده است از دیگر مسایلی است که تورم داخلی را شدت بخشیده است. گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز - و البته متناسب با عزت ملی - که سبب رفع اتهامات بین‌المللی و به تبع آن توقف تحریم‌های یکجانبه علیه کشورمان می‌شود، مقوله‌ای پُراهمیت در سیاست خارجی ایران است که به یقین بر اقتصاد داخلی ما تأثیر شگرفی خواهد گذارد. بر این اساس، تشکیل کارگروهی منتخب از سیاستمداران و اقتصاددانان پُرتوان کشور در جهت بهبود روابط بین‌الملل و مدیریت ریسک‌های ایران، از اهمیت خاصی برخوردار است.

بیکاری

مسأله مهم دیگری که نیازمند توجهاتی به مراتب جدی‌تر است، توجه به بیکاری موجود در کشور است. اگرچه نرخ بیکاری در کشور - بر اساس برآورد دولت - از ۱۰/۶ درصد در سال ۸۶ به ۱۰/۴ درصد در سال ۸۷ کاهش یافت، اما با توجه به جمعیت ۷۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفری و نرخ رشد ۱/۴۳ درصدی آن

با کاهش ۱۱/۹ واحد درصدی نسبت به سال قبل به رقم ۰/۱ درصد در پایان سال ۸۸ خواهد رسید که این امر توجه جدی مسؤولان کشور را می‌طلبد. در این میان، عدم مشارکت مناسب تشکلهای قانونی غیردولتی صنفی - تخصصی بخش‌های مختلف اقتصادی و عدم خصوصی‌سازی واقعی در اقتصاد کشور طی سال‌های اجرای برنامه از مهمترین دلایل این تنزل بوده است.

البته به جا است این مطلب را متذکر شویم، طبق همین گزارش، این رشد از سال ۸۹ روندی صعودی خواهد داشت، به طوری که در پایان سال ۸۹ رشدی معادل ۲/۰۳ درصد نسبت به سال ۸۸ را شاهد خواهیم بود. کاهش انحصار دولت در بسیاری از بازارها و واگذاری بازارها به اصناف و اتحادیه‌ها از مهمترین راهکارهای پیشنهادی برای ارتقای این مقوله تلقی می‌شوند. موضوع دیگر، بند ۲ از ماده ۳۹ فصل دوم قانون برنامه چهارم توسعه است که بر اساس آن، دولت می‌بایست برای تقویت رقابت‌پذیری و ساماندهی بنگاه‌های اقتصادی، به رفع مشکلات و موانع رشد و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط می‌پردازد تا به بنگاه‌هایی بزرگ و رقابت‌پذیر تبدیل شوند، اما آمار خلاف آن را ثابت می‌کند. بر اساس گزارش بانک جهانی که در فوریه ۲۰۰۹ منتشر شد، رتبه سهولت در ایجاد کسب‌وکار در ایران در مقایسه با سال ۲۰۰۸ میلادی با ۷ پله سقوط همراه بوده است که این امر نشان از عدم عملکرد بر اساس برنامه‌های مدون می‌باشد.

سال ۹۲ راهی متزلزل

از مهمترین بندهای برنامه پنجم توسعه در زمینه امور اقتصادی، رشد مناسب اقتصادی با تأکید بر رقم حداقل ۸ درصد در سال بوده که این مهم می‌بایست از طریق توسعه سرمایه‌گذاری و بر اساس کاهش شکاف پس‌انداز - سرمایه‌گذاری با حفظ نسبت پس‌انداز به محصول ناخالص داخلی، حداقل در سطح ۴۰ درصد و به وسیله جذب منابع و سرمایه‌های خارجی صورت می‌گرفت. متأسفانه تنزل ۲ واحد درصدی این متغیر از سال ۸۶ به ۸۷ و کاهش احتمالی مجدد آن به رقم ۴/۴ درصد در سال ۸۸ - بر اساس پیش‌بینی «اقتصاد ایران» - نشانگر عدم تحقق هدف مذکور، با توجه به روند حرکتی اقتصاد ملی است.

البته همان گونه که در این بند از قانون برنامه آمده، این مهم می‌باید از طریق کاهش شکاف پس‌انداز - سرمایه‌گذاری تحقق می‌یافت، اما با توجه به تورم بالای کشور و نرخ بهره اسمی پایین که منجر به نرخ بهره حقیقی منفی در کشور شده است، دیگر سرمایه‌ای برای سرمایه‌گذاری در نظام بانکی کشور وجود ندارد که بتواند به کاهش شکاف پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بی‌انجامد. در این بین عدم

دخالت در تصمیمات بانک مرکزی و عدم تعیین دستوری نرخ بهره بانکی در کنار تسهیل قوانین دست و پاگیر ورود سرمایه، راهکارهایی مناسب برای حل این مشکل به حساب می‌آیند. این امر موضوع دیگری است که لازم است با نگاهی ویژه به

صنعت ایران و مشکلاتش

چرخ صنعت را بچرخانیم

دیدگاه دکتر مرتضی بهشتی، عضو شورای سیاست‌گذاری ماهنامه «اقتصاد ایران» در رابطه با چالش‌های آتی صنعتی کشور



متأسفانه صنعت کشور با مشکلات و مسائلی زیادی دست به گریبان است که در صورت ادامه روند گذشته نمی‌توان آینده روشنی را برای آن متصور شد. در این راستا با سیل عظیم واردات - اعم از قاچاق و واردات رسمی - که به نحو کنترل نشده‌ای به داخل کشور سرریز می‌شوند و از طرف دیگر با وجود عوامل تولید گران در ایران که هزینه‌های تولید را به شدت افزایش می‌دهند، هیچ واحد اقتصادی، توانایی ایجاد یک تعادل در مسایل مدیریت تولید و هزینه‌ها را نخواهد داشت.

وجود تورم بالای ۲۰ درصد و اعتبارات گران و غیرقابل دسترس از دیگر موانعی هستند که بر سر راه صنایع داخلی وجود دارند. به عنوان مثال در حال حاضر، بانک‌ها باید با نرخ بهره حدود ۱۳ درصد به تولیدکنندگان وام بدهند که متأسفانه این کار از سوی بانک‌ها انجام نمی‌شود. در نتیجه، تولیدکنندگان ناچار می‌شوند به بازار آزاد مراجعه کنند و با نرخ بهره بالای ۳۶ درصد تولید نمایند.

عامل مهم دیگری که سال‌ها گریبان‌گیر صنعت کشور بوده و در صورت ادامه این روند همچنان ادامه خواهد داشت، بهره‌وری بسیار پایین نیروی کار است. در حال حاضر، انرژی ارزان تنها عامل کمک‌کننده به صنایع است که البته به خاطر ضرورت اصلاح قیمت‌های انرژی در کشور و نزدیک کردن این قیمت‌ها به سطوح جهانی، این عامل هم کم‌کم از بین خواهد رفت. در نتیجه هیچ مزیت نسبی در رابطه با صنایع داخلی نمی‌توان برشمرد که به واسطه آن بتوان به پیشرفت و موفقیت صنعت کشور امیدوار بود. وجود برخی قوانین از جمله قانون کار که به عنوان تنظیم‌کننده روابط کار و حمایت از کارگر است، عملاً یکی از ابزارهای بزرگ مدیریت را فلج کرده است. بنابراین تحت این شرایط و با وجود مشکلات ذکر شده، برای یک تولیدکننده هیچ‌گاه امکان پیش‌بینی وضعیت آینده وجود نخواهد داشت و در واقع یک نوع نااطمینانی برای سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان ایجاد می‌شود که نتیجه آن، عدم سرمایه‌گذاری توسط افراد خواهد بود. در کنار مسایل و مشکلات مذکور، عامل

بسیار مهم دیگری به نام بازار فروش وجود دارد. یک تولیدکننده زمانی می‌تواند در بلندمدت به حیات خود ادامه دهد که همواره تولیدش را گسترش دهد و با استفاده از تکنولوژی‌های جدید، به افزایش بهره‌وری در تولید اقدام نماید. از طرف دیگر، کاهش هزینه‌های تولیدی، هدفی است که تولیدکننده برای رسیدن به آن نیازمند بسط و توسعه تولیداتش خواهد بود. از آنجا که بازار فروش داخلی نمی‌تواند جوابگوی این نیاز تولیدکنندگان باشد، لازمه دستیابی به اهداف مذکور، دسترسی به بازارهای جهانی خواهد بود که به علت روابط سیاسی موجود، هیچ یک از این بازارها از تولیدات ایرانی استقبال نمی‌کنند. در مجموع اگر روند گذشته ادامه یابد، نمی‌توان پیش‌بینی خوبی برای آینده صنعت کشور داشت. راهکاری که می‌توان در این خصوص ارائه داد این است که باید وزیر صنایع با ایجاد یک تعامل مناسب و کارا با وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دیگر و همچنین پیگیری ملاوم، مشکلات و مسایل واحدهای تولیدی را در مواجهه با همه سازمان‌ها بررسی و حل کند و محیط کسب‌وکار و تولید کشور را به یک محیط نسبتاً آرام تبدیل نماید. از طرف دیگر، دولت هم بایستی در جهت برقراری تعامل مثبت با جامعه جهانی گام بردارد تا زمینه‌های جلب سرمایه‌های خارجی، تکنولوژی‌های جدید و دسترسی به بازارهای خارجی فراهم شود. ■